



## تراامپ در برابر بریکس

صفحه ۱۱

## ابریکس

یکشنبه ۲۱ بهمن ۱۴۰۲
۱۰ شعبان ۱۴۴۴
۹ فوریه ۲۰۲۵
سال بیستم
شماره ۵۸۴۲
۱۲ صفحه
۱۰۰۰۰ تومان

عدم تصویب افای تی اف و چالش هایی که گریبان اقتصاد کشور را می گیرد

## درس‌های بزرگ برای فعالان اقتصادی

گروه اقتصاد – یک تحلیلگر حوزه پولی معتقد است نگرانی از افزایش محدودیت‌ها پس از پیوستن به FATF موجب قرار گرفتن کشور در وضعیت «بی تصمیمی» شده است که گاه این وضعیت با خود تبعات سنگینی هم در پی خواهد داشت.

با اعلام بررسی دوباره پیوستن ایران به FATF از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام، به نظر می‌رسد با وجود برخی مخالفت‌ها، احتمال تصویب آن به مراتب بیش از تصویب نشدن است.

به گزارش خبر آنلاین، مخالفان پیوستن به FATF همواره بر این تاکید داشته‌اند که اگر کشور به این کنوانسیون‌ها بپیوندد، در شرایطی که تحریم فشارهایی بر حوزه تجاری وارد کرده، در عمل می‌تواند به افزایش محدودیت‌های تجاری منجر شود. این در حالی است که موافقان، این را بهانه‌جویی مخالفان می‌دانند و با اشاره به این‌که کشورهای‌ی که تحریم هم هستند (مانند روسیه یا کوبا) هم در این معاهده باقی مانده‌اند از قضا تحریم‌های خود را هم دور می‌زنند. پس این مساله نه تنها مانعی برای دور زدن تحریم‌ها نیست که از نظر موافقان، می‌تواند تسهیل این امر هم می‌تواند کمک کند.

به نظر می‌رسد در میانه این بحث‌ها چیزی که کمتر مورد توجه قرار گرفته، نگاه فنی و تخصصی به مساله است. سیاست‌زدگی حاکم بر فضای کشور به عاملی تبدیل شده که بسیاری از بحث‌های تخصصی در آن تبدیل به جدل‌های جناحی می‌شود که می‌تواند در شرایط دشوار فعلی، هزینه‌های سنگین تری را به دنبال داشته باشد.

شرح در صفحه ۱۰



بزشکیان
در سفر به کرمان:
رتبه‌اول و برتر در منطقه را
هفت به ما نمی‌دهند

صفحه ۶



قیمت دلار مبادله‌ای یک کانال
از دست داد
نوسان هیجانی قیمت
طلا و سکه

صفحه ۶



چرا در صد رای به یک نماینده
مهم‌است؟

پشت‌پرده گفتمان
حذف مردم

صفحه ۶

#### بروردگی و ورزیدگی اندیشه ها

محمدعلی نویدی

قاعده اصلی و اصیل این است که «، برای اصالت و اثرمندی انسان و زندگی، بالذکی عقل‌ها و اندیشه‌ها و خوردورزی کاربست ضروری». به دیگر سخن، فقدان خردمندی لازم و آگاهی علمی، مساوی و مساوق با هیبط و سقوط انسانیت و حیات انسانی است. زیرا، علت و سر رشته آدمیت، عقلانیت و اثرگذاری انسانی اوست. منشأ و مصدر پرورذگی و ورزیدگی انسان، خود خرد آدمی ست. چونکه، خرد نیروی تفکر، ذهنش و خلاقیت است. همین سه ویژگی و صفت بارز انسان، شاید، ابزار سازان هوشمند را به این سوسوه و اشتیاق انداخته است تا ابزارهای هوشمند انسان ساخته را، جایگزین خود انسان طبیعی نمایند. و البته، موفق بوده‌اند و امروزه، ابزارهای هوشمند انسان ساخته، آماده اند، جایگاه انسان‌ها را بگیرند و انسان مصنوعي، عصر و نسل جدیدی را رقم می‌زند. تنها راه بقای نسل انسان کنونی، پرورذگی و ورزیدگی ژرفای تفکر او است. غفلت از این موضوع سرنوشست ساز، محو و مات انسان طبیعی خواهد بود.

عقل‌ها و اندیشه‌ها، با رویدادها و عمل‌ها و کنش‌های آدمی، صعود و سقوط پیدا می‌کنند. در این میان، انسان طبیعی، ناچار است به پرامن‌ها و پالا کنشیدن‌ها، عمیق بیاندیشد و اثرگذار بکوشد. حکمت این پرورذگی و ورزیدگی عقلانی و اثری، به تغییر زمان و زمانه و نحوه زیست بشر جدید، برمی‌گردد. اگر انسان از چرد آمدنی و محققش شذنی است. هستی و جان پرمزده، هرگز نتواند موتور

پیش‌ان را از پیش‌انمندی، عامل سلبی و منفی دیگری است. زور و تحمیل از تفکر و تعقل، همانند باران بهاری برای باغ زندگی آدمی و جامعه انسانی می‌ماند. زندگی، جامعه، زیست‌آزادانه و انسانی، از بی و قبیل پرورذگی و ورزیدگی خردها و افزایش آگاهی‌ها و وسعت جان‌ها و فسحت و گشادگی افق‌های نوین زندگی، پیش‌آمدنی و محققش شدنی است. هستی و جان پرمزده، هرگز نتواند موتور پیش‌ان زندگی‌انی پُر پیچ و خم و پیچیده امروزی باشد. چه چیزی هستی و اندیشه آدمی را وسعت و فراخی، می‌بخشد؟ بی تفاوتی و بی خیالی و غفلت از رقبیان خود ساخته، یکی از آن عوامل سلبی و ستانی است. فراموشی مسؤولیت انسانی جوانب گوناگون، عامل مهم دیگری است. در این میان، انسان طبیعی، چیزی جز نیروی خرد و دانش، اساساً ، ندارد. اگر خرد و اندیشه نباشد، نه عشق تعبیر می‌شود، نه تجربه اندوخته می‌گردد، نه تاریخ به فهم می‌آید و نه عرفان یاری‌گری می‌کند و نه آموزه‌های دینی مددی می‌رساند. « دقت‌ها لازم است ». چون، جان و جوهر آدمی عقل اثربخش اوست. بنابراین، برای پرهیز از پژمردگی عقل‌ها، ناگزیر به پرورذگی اندیشه‌ها، نیاز داریم؛ این نیاز و فقر ابندی و ازلی انسان است. چرا و چگونه انسان و زندگی، بیمار و زار و نزار و ناخوش و زرد روی، می‌گردد؟ بیماری و ناخوشی دو گونه است: ۱- بیماری جسم‌ها و روح‌ها، و ۲- بیماری عقل‌ها و اندیشه‌ها. بیماری جسمی و روحی انسان نتیجه و اثر فشارهاست. فشارهای بیرونی و محیطی، و فشارهای درونی و اندوه‌های عمیق و اختلالات شگرف روحی، تمام تاملایمات و ناسازگاری‌ها، ایجاد فشار مخرب می‌کنند و ویرانگر هستند. مثل، فتنی و آیاندیس و شکستگی و پیری زود هنگام و بیماری‌های زود رس، از جمله پیامدهای چنین فشارها و فشرذگی است. البته این موضوع دامن پس‌درازی دارد. اثماً، بیماری عقل و اندیشه از جنس دیگری است. حکایت‌فرار حضرت عیسی (ع) از دست آن‌آبله و بی‌بج‌رد، حتماً شنیده‌اید! فقدان عقلانیت و آگاهی استدلالی، در اصل، فقدان و از دست دادن، انسانیت است. اولاً و بالذات، انسان، با خرد و اندیشه و دانش، انسان است. یعنی، قوام و دوام انسانیت به عقل و عقل ورزی است. خوشی و ناخوشی زندگی باز به رفتارهای عقلانی و علمی، مربوط است نه به رفتارهای غریزی. با عقل ورزی و پرورگی اندیشه‌ها و ذهن‌ها، آدمی تولد تازه و انسانی می‌یابد و از مردگی واقعی و حقیقی، نجات پیدا می‌کند.

عقل ورزی، همانند باد صبا گل‌های باغ زندگی و انسانیت را می‌پرورد و رشد می‌دهد و می‌بالاند. عقل کشی، همانند، باد ویا همه را بیمار می‌کند. بیماران دیوانگان واقعی، بیخردان و متحجران و متعصبان هستند؛ در بیماران موقت جسمی، هیبط واقعی چیست؟ سقوط حقیقی کدام است؟ حشمت و ابهت اصیل انسان، با بیماری و عقب ماندگی عقل و آگاهی و شناخت او، زوال می‌پذیرد. زیست غریزی، هیچ هنر و فضیلتی برای انسان و انسانیت به ارمغان نمی‌آورد. باری، ما آدمیان نسبت به زندگی و آینده دور‌راه بیشتر نذاریم، یا با پرورذگی و ورزیدگی عقلانی و علمی به رشد و بالذکی و ترقی و تعالی خود ادامه می‌دهیم و سرمایه و جان‌مایه اجتماع بشریت می‌شویم؛ و یا با بی تفاوتی و کاهلی، از خوردورزی غفلت می‌کنیم و انگل و سربرار جامعه بشری می‌گردیم. زندگان و مردگان فرق‌شان در اثرمندی عقاقلانه و ایفای مسؤولیت انسانی، و یا در بی تفاوتی و ایترمندی و اسقاط انسانیت است.

چرا سیاست «فشار حداکثری» باز هم شکست خواهد خورد؟

## تحلیل نادرست ترامپ از توان هسته‌ای و موقعیت منطقه‌ای ایران

جنگ تجاری آمریکا با چین به‌عنوان یک فرصت استفاده کرد؟
مجیدرضا حریری، رئیس اتاق بازرگانی ایران و چین، در گفت‌وگو با ایسنا به این پرسش‌ها پاسخ داد.

مجیدرضا حریری، رئیس اتاق بازرگانی ایران و چین، در گفت‌وگو با ایسنا، با اشاره به سیاست‌های اقتصادی ترامپ تأکید کرد که آمریکا دیگر آن رویکرد جهانی‌سازی گذشته را دنبال نمی‌کند و اظهار کرد: ترامپ برخلاف سیاست سنتی آمریکا که همیشه مدافع اقتصاد آزاد و تجارت بدون تعرفه بود، اکنون به ملی‌گرایی اقتصادی روی آورده است. این تغییرات نه‌تنه‌ها در حوزه تجارت، بلکه در سیاست‌های بین‌المللی مانند ناتو، روابط با کانادا و مکزیک و حتی تعامل با نهادهای جهانی مثل دادگاه کیفری لاهه نیز مشهود است.

وی افزود: در دوره قبلی، ترامپ بیشتر تحت تأثیر سیاستمداران افراطی مانند بولتون و مپه‌نوبود، اما در این دوره، افراد افراطی اقتصادی مانند لارنس و ایلان ماسک در کنار او قرار گرفته‌اند و سیاست‌هایش کاملاً از استانداردهای جهانی فاصله گرفته است.

**افزایش سیاست‌ها و جنگ تجاری آمریکا با چین**

رئیس اتاق بازرگانی ایران و چین با اشاره به افزایش تعرفه‌ها بر کالاهای وارداتی به آمریکا توضیح داد: ترامپ ابتدا ۱۰ درصد تعرفه جدید بر کالاهای چینی اعمال کرد و سپس این تعرفه را به ۲۵ درصد رساند. در برخی کالاها مانند خودروهای چینی، این میزان حتی بالاتر هم رفته است. این در تضاد کامل با هویت اقتصادی پیشین آمریکا قرار دارد که مبتنی بر بازار آزاد و تجارت بدون محدودیت بود.

**تابوت سیاست‌های جدید آمریکا بر ایران**

حریری با بیان اینکه ایران به دلیل تحریم‌های اقتصادی، سال‌هاست که از جریان اصلی تجارت بین‌المللی خارج شده و سیاست‌های جدید آمریکا تغییر محسوسی در وضعیت کشور ایجاد نخواهد کرد گفت: بیش از ۸۰ درصد تجارت ایرانی ایران محدود به هشت کشور است و ما در اقتصاد جهانی بازیگر اصلی محسوب نمی‌شویم. بنابراین، سیاست‌های جدید ترامپ تأثیر مستقیمی بر ما ندارد. وی احتمال ایجاد برخی فرصت‌ها برای ایران را نیز مطرح کرد و گفت: اگر تنش اقتصادی میان آمریکا و چین افزایش یابد، ممکن است چین دیگر تحت فشار واشنگتن برای تشدید تحریم‌های ایران قرار نگیرد. این می‌تواند فرصتی باشد تا شرکت‌های ایرانی همکاری بیشتری با چین داشته باشند. البته این یک احتمال است و نمی‌توان با قطعیت در مورد آن نظر داد.

**چگونه می‌توان به تجارت بین‌المللی بازگشت؟**

حریری در خصوص راهکارهای ایران برای ورود دوباره به اقتصاد جهانی گفت: در سال‌های اخیر تلاش‌هایی برای توسعه بازارهای صادراتی ایران و دسترسی به بازارهای جهانی جدید صورت گرفته است. ما علاوه بر کشورهای همسایه همچون افغانستان، ترکیه و عراق و چین و هند، باید تمرکز بیشتری بر بازارهای آسیای میانه، آمریکای لاتین و آفریقا داشته باشیم تا تحرک بیشتری صورت گیرد. این سه منطقه می‌توانند ظرفیت‌های جدیدی برای تجارت خارجی ایران ایجاد کنند.

وی در پایان تأکید کرد که ایران برای کاهش وابستگی به تجارت سنتی و محدود خود، نیاز به دیپلماسی اقتصادی فعال‌تری دارد: تحریم‌ها ما را از اقتصاد جهانی دور کرده است، اما اگر بتوانیم بازارهای جدید را شناسایی و روی آن‌ها سرمایه‌گذاری کنیم، می‌توانیم جایگاه خود را در تجارت بین‌الملل بهبود ببخشیم.

رهبر انقلاب:

**تهدیدهای آمریکا**

**هیچ تائیری در ذهنیت**

**ملت و مسئولین ما ندارد**

صفحه ۶



شهاب زمانی

سرمقاله



**روابط ایران و آمریکا؛ از اظهارات تهدید آمیز تا اقدامات اعتمادساز**

دور جدید ریاست جمهوری دونالد ترامپ، آنگونه که مشخص است، در ادامه ایده روایی قرن آمریکایی و بر اساس « سیاست قدرت»، شکل گرفته است؛ سیاستی که در مواجهه با دشمنان، رقبا و حتی دوستان و متحدین واشنگتن، به چیزی جز منافع این کشور، توجه‌ای ندارد، مسیری که حتی در تضاد با ارزش‌های ایده آلیستی برگرفته از برخی قوانین ایالات متحده، از بدو تاسیس آن است.

تجارت مختلف و در عین حال، پیش بینی نشده در دور اول ریاست جمهوری دونالد ترامپ و همچنین دوران متشنع و سخت پس از آن برای رئیس جمهور آمریکا و بویژه پرونده‌های متعدد برای وی، رییس جمهور فعلی ایالات متحده را، چنان متحول نموده، که به‌طور می‌رسد، مسیر متفاوتی را، نسبت به دور اول ریاست جمهوری خود در پیش گرفته است، تا به ملت آمریکا نشان دهد، آنچه که برای وی مهم است، منافع ملی آمریکا ( و نه جهان سرمایه داری) و سایر ملل جهان است.

رویکرد «سیاست قدرت» که بطور عریانی در اظهارات رئیس جمهور آمریکا، مشاهده می‌شود، جهان را به سمت تحولات پیش بینی نشده‌ای سوق خواهد داد، که می‌تواند، تبعات پیش بینی نشده و هشدار آمیزی نیز، بهمراه داشته باشد؛ اظهارات وی در خصوص لزوم آتش بس فوری در غزه، پایان جنگ اوکراین، رقابت تجاری با چین، تغییر در تجارت با کشورهای دوست، مالکیت کانال پاناما، تسلک گرویلند، جابجایی مردم غزه و مواردی دیگر، گواهی بر، تمرکز چهل و هفتمین رئیس جمهور ایالات متحده بر «سیاست قدرت» است، که طی قرن‌ها، سیاست حاکمان اقتدارگرا در مواجهه با دوستان و دشمنانشان بوده است.

ادامه در صفحه ۶



سختگیرانه واشنگتن در قبال تهران حمایت می‌کردند، اکنون عربستان سعودی و امارات تمایلی به اعمال فشار اقتصادی بر ایران ندارند. روابط تهران و ریاض امروز بهتر از پنج سال پیش است. محمد بن سلمان، ولیعهد این دیدگاه را نیز مطرح می‌کند و به این نتیجه رسیده است که ثبات منطقه‌ای برای دستیابی به اهداف توسعه اقتصادی کشورش ضروری است. عربستان سعودی و ایران که روابط دیپلماتیک خود را در سال ۱۴۰۲ رسر گرفتند، اکنون در تلاش هستند تا روابط دو جانبه خود را تقویت کنند.

با این حال، ترامپ می‌تواند این تحولات را نادیده بگیرد و به سیاست خود ادامه دهد، اما با این کار، خود را در موقعیت ناخوشایندی قرار می‌دهد. او باید واقعیت ادامه روابط تجاری بین کشورهای خلیج فارس و ایران را بپذیرد یا این کشورها را به دلیل نقض سیاست فشار حداکثری تحریم کند.

گزینه اول بدون شک تأثیر تحریم‌های آمریکا را کاهش می‌دهد، در حالی‌که گزینه دوم روابط واشنگتن با کشورهای خلیج فارس را تیره می‌کند و تلاش‌های ترامپ برای گسترش پیمان ابراهیم را که یکی از دستاوردهای مهم سیاست خارجی دوره اول ریاست جمهوری او محسوب می‌شود، به خطر می‌اندازد. یک سیستم جایگزین وجود دارد. اما پیش از آنکه ترامپ تصمیم به اعمال مجدد تحریم‌های شدیدتر بگیرد، باید در نظر بگیرد که این تحریم‌ها چه نقشی در منطقه کلی منطقه‌ای او ایفا می‌کنند. او باید از گذشته درس بگیرد، به مشاوران تندرو خود گوش ندهد و واقعیت‌های فعلی را در نظر بگیرد. با توجه به اینکه برنامه هسته‌ای ایران در سال‌های اخیر هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی به‌طور قابل توجهی گسترش یافته است، احیای توافق هسته‌ای قدیمی دور از دسترس به نظر می‌رسد و توافق جدید احتمالاً جامع‌تر خواهد بود. با این حال، حتی یک توافق جزئی بهتر از بازگشت به راهبردی است که نه تنها شکست‌خورده است، بلکه در نتیجه آن مسئله هسته‌ای ایران امروز وسیع‌تر شده و حتی می‌تواند ایران را به آزمایش سلاح‌های هسته‌ای به هر قیمتی تشویق کند.

**ترامپ و تغییر مسیر اقتصاد جهانی؛ تهدیدها و فرصت‌ها**

**برای ایران**

سیاست‌های اقتصادی دونالد ترامپ با تمرکز بر ملی‌گرایی و یکجانبه‌گرایی، مسیر تجارت جهانی را تغییر داده است. در حالی‌که آمریکا از اصول سنتی گلوبالیسم فاصله می‌گیرد، این تغییرات چه پیامدهایی برای ایران دارد؟ آیا می‌توان از

با توجه به نتایج نه‌چندان باشکوه سیاست فشار حداکثری، اکنون تصور اینکه چرا ترامپ ممکن است مایل باشد دوباره این سیاست را امتحان کند، دشوار است. با این حال، تیم ترامپ معتقد است که شرایط کنونی خاورمیانه برای پیگیری کارزار فشار حداکثری بسیار مناسب‌تر از سال ۲۰۱۸ است. به ادعای این تیم، «ایران از منظر اقتصادی به دلیل تورم و رکود بالا و از منظر منطقه‌ای به دلیل ضربه‌هایی که به محور مقاومت وارد شده و خروج بشار اسد از قدرت در سوریه، تضعیف شده است» [۱]

<sup>[1]</sup> در حالی‌که آمریکا از اصول سنتی گلوبالیسم فاصله می‌گیرد، این تغییرات چه پیامدهایی برای ایران دارد؟ آیا می‌توان از